



Bank Capital Structure and the Impact of National Culture and CEO Power on Bank Risk: Evidence of International Banks	عنوان
دکتر ایلناز کاشفی پور	سخنران
تاریخ برگزاری: ۱۳۹۷/۰۹/۲۶	

در این نشست دو نوع مقاله مورد بررسی قرار گرفت:

۱- ساختار سرمایه بانکها

۲- اثر فرهنگ ملی بر رابطه بین ریسک بانکها و قدرت اجرایی مدیر عاملان

نسبت سهام به سرمایه به طور قانونی برای بانکها باید ۴ درصد باشد، ولی به نظر می‌رسید که این نسبت در عمل حدود ۱۰ الی ۱۲ درصد است. بنابراین این تحقیقات به این منظور انجام گرفت که دریابیم آیا بانکها نیز همانند شرکتها در ساختار سرمایه عمل می‌کنند؟

این تحقیقات روی ۳۴۷ مورد از بزرگترین بانکهای جهان در بین ۵۷ کشور و بین سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۲ میلادی انجام شد. با توجه به نتایج بدست آمده نسبت سهام به سرمایه حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد این بانکها، بیشتر از مقداری است که قوانین به آنها اعمال می‌کند.

طبق نظریه بافر اگر بانکها در زمان کوتاهی بتوانند با هزینه کمتر سهام بیشتری را عرضه کنند، نیازی به میزان زیاد سهمیه سرمایه ندارند و می‌تواند آن را در حدود ۴ درصد ثابت نگه دارند.

طبق نظریه تئوری شرکتها (نظریه هرمی) اگر از سود داخلی استفاده کنیم اما میزان آن کافی نباشد، میتوانیم وارد بازار خارجی شویم.

اگر فساد اقتصادی در کشوری زیاد باشد، انتظار می‌رود که میزان بدهی به کل دارایی کمتر باشد.

یک عامل بسیار مهم در شرکتها که اثر بسیار قوی نیز داشته است، سیستم مالیات شرکتها و نیز مالیات روی درآمدهای خودشان است.

از عوامل مختلفی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت شرایط قبل و بعد بحران مالی، سیستم اوراق قرضه و سپرده‌های بیمه‌دار بوده است.

نتایج بدست آمده از بررسی بانکهای ۵۷ کشور دنیا نشان داده است که طبق نظریه بافر سوددهی باید مثبت باشد. اما اینجا سوددهی منفی شده است که نشان می‌دهد بانکها نیز مانند شرکتها عمل می‌کنند.

در سیستم کلاسیک مالیات محاسبه می‌کنند که منفعت بدهی بالاتری داریم، به این معنی که بانکها تمایل دارند بدهی بیشتری داشته باشند تا مالیات کمتری پرداخت کنند.

برای سنجش پایداری از روشهای مختلف رگرسیون در قبل و بعد از بحران استفاده شد که فرقی در نتیجه نداشت.



نتایج حاکی از آن است که اگر بانک‌ها همانند شرکت‌ها رفتار کنند، فرهنگ ملی باید در رابطه بین قدرت اجرایی مدیران عامل و ریسک بانک‌ها تاثیر بگذارد.

استفاده از ۳۳۶ داده‌ی جمع آوری شده منحصر به فرد برای بانک جهانی در ۴۸ کشور به کشف سه یافته‌ی جدید انجامیده است: اول، زمانی که شاخص‌های قدرت مدیر عامل بالا بوده، تغییرات خطرپذیری بانک کمتر بوده است، البته شاخص‌های فرهنگی این رابطه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. دوم، فردگرایی رابطه منفی بین قدرت مدیران عامل و خطر پذیری بانکها را تعدیل می‌کند ولی اجتناب از عدم قطعیت این رابطه را تشدید می‌کند. سوم هر چقدر هنجارها در کشورها قوی‌تر باشند، نتایج بهتر و قوی‌تری حاصل خواهد شد.